پژوهش دینی

Pazhouhesh Dini

شمارهٔ ۴۲، بهار و تابستان ۱۴۰۰
صص ۷۲ـ۳۷ (مقاله پژوهشی)

No. 42, Spring & Summer 2021

نقد آرای مختلف در خصوص رسم‌الخط قرآن کریم

کیوان احسانی[۱]، محمد دهقانی[۲]، افسانه کوهرو[۳]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۱۲/۵ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۱۲/۲۵)

چکیده

رسم‌المصحف که به آن رسم‌العثمان نیز گفته می‌شود؛ اصطلاحی است که به قرآن کتابت شده در زمان عثمان اختصاص داده شده است. در رسم‌المصحف، نگارش کلمات زیادی با کلمات امروزهٔ عربی تفاوت دارد از طرفی کلمات همسان دیگری در رسم‌المصحف وجود دارند که به دو رسم متفاوت نوشته شده‌اند. پژوهشگران زیادی تاکنون در مورد رسم‌المصحف آثاری را برجای گذاشته‌اند اما خلأ پژوهشی مستقل که جامع تمامی این آرا و نقد و بررسی آن‌ها باشد نگارنده را بر آن داشت که در مقالهٔ حاضر با روش توصیفی – تحلیلی آرای مختلف را در سه دسته تقسیم‌بندی نماید؛ دستهٔ اول معتقدند که متن قرآن مضطرب است و باید برای آن متن واحدی ایجاد کنیم، دستهٔ دوم اختلافات موجود در رسم‌المصحف را اجتهادی می‌دانند که در این بین تعدادی از آن‌ها معتقدند نباید رسم‌الخط قرآن را تغییر داد و تعدادی دیگر موافق تغییر رسم‌المصحف هستند، دستهٔ سوم افرادی هستند که موافق توقیفی بودن رسم‌المصحف هستند و هیچگونه تغییری در آن را جایز نمی‌دانند، در بین این گروه افرادی وجود دارند که می‌گویند این نوع رسم الخط قرآن کریم معجزه به‌شمار می‌آید. هر یک از دیدگاههای یاد شده قابلیت نقد علمی دارند.

کلید واژه‌ها: رسم‌الخط، رسم‌الإملاء، رسم‌المصحف، اجتهادی، توقیفی، معجزه.

۱. استادیار دانشگاه اراک، اراک، ایران؛ k-ehsani@araku.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک، اراک، ایران (نویسنده مسئول)؛
Dehghani.m100@gmail.com
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی دورود، دورود، ایران؛
afsanehkouhro@gmail.com

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

۱- مقدمه

رسم الخط قرآن کریم یکی از مباحث مهم مطرح شده در علوم قرآنی است که یک مفسّر پیش از تفسیر قرآن لازم است ویژگی‌های آن را بداند زیرا اولین مرحله برای فهم هر متنی دست‌یابی به متن اصلی است و اگر تغییراتی در متن اصلی بوجود آمده باشد مفسّر را در فرایند فهم دچار اشتباه می‌کند. وجود تفاوت‌هایی در رسم‌الخط قرآن کریم غیر قابل انکار است. این تفاوت‌هایِ نگارشی هم در مقایسهٔ کلمات قرآنی با کلمات امروزهٔ عربی وجود دارد(مثل کلمهٔ کتاب که در رسم‌المصحف الْکِتَب نوشته می‌شود و در رسم الخط عربی امروز آن را الکتاب می‌نویسند) هم در برخی از واژگان همسان، یعنی یک کلمهٔ مشخص در قرآن در آیات متعدد به صورت‌های مختلفی نوشته شده است (همانند کلمهٔ فصال که در آیهٔ ۲۳۳ سورهٔ بقره به صورت «فِصَالاً» و در آیهٔ ۱۴ سورهٔ لقمان «فِصَلُهُ» نوشته شده است).

در خصوص ویژگی‌های رسم‌المصحف آرای متفاوت و اغلب متعارضی وجود دارد که خواننده را دچار اشتباه می‌کنند. آرای دانشمندان به توقیفی یا اجتهادی بودن رسم‌المصحف و اعتقاد به تغییر یا عدم تغییر رسم‌الخط متن قرآن برمی‌گردد، در این بین افراد دیگری نیز وجود دارند که اعتقاد به إعجاز رسم‌المصحف دارند. کاملاً مشخص است افرادی که به إعجاز الخطی قرآن کریم اعتقاد دارند، لزوماً به توقیفی بودن رسم‌المصحف معتقدند و افرادی هم که اعتقاد دارند رسم‌الخط قرآن کریم باید تغییر کند لزوماً به اجتهادی بودن آن معتقدند اما مشکل و ابهام در این مسئله درخصوص موارد ذیل است:

ـ افرادی که به اجتهادی بودن رسم‌المصحف اعتقاد دارند، لزوماً معتقد به تغییر رسم‌المصحف براساس رسم‌الإملاء امروزهٔ عربی نیستند.

ـ افرادی که به توقیفی بودن رسم‌المصحف اعتقاد دارند، لزوماً معتقد به إعجاز رسم‌الخط قرآن کریم نیستند.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

ـ افرادی که معتقدند نباید رسم‌الخط قرآن کریم تغییر یابد، لزوماً بـه تـوقیفی بـودن آن معتقد نیستند.

لذا عدم وجود پژوهشی مستقل که این آرا را در یک قالب منسجم سامان بخشیده باشد و در ذیل هر یک به نقد و بررسی آن‌ها بپردازد نگارنـده را بـر آن داشـت تـا بـا مطالعـهٔ کتابخانه‌ای به روش توصیفی – تحلیلی، با دسته‌بندی آن‌ها خواننـده را بـا آرای گونـاگون پیرامون رسم‌المصحف آشنا کند و طرفداران هر یک از این نظریه‌ها را از هم تفکیک نماید.

۲- پیشینه

تاریخچهٔ نگارش قرآن کریم به اوایل نزول قرآن برمی‌گردد کاتبان وحی براساس آئـین نگارشی که در آن زمان مرسوم بود به نگارش آیات قرآن می‌پرداختند و لذا هیچ اختلافـی بین رسم‌الخط قرآن کریم و سایر مکتوبات و نامه‌ها و... وجود نداشـت امـا پیشـینهٔ بحـث اختلاف در رسم‌المصحف به صدر اسلام بر نمی‌گردد زیرا در صـدر اسـلام نگـارش قـرآن براساس همان رسم‌الخطی که در آن زمان مرسوم بوده صورت گرفته است و کسی تابحـال از اختلاف رسم‌المصحف و رسم‌الإملاء در زمان پیامبر(ص) صحبت نکرده است. لذا پیشینهٔ این بحث برمی‌گردد به زمانی که اختلافات بین نگارش قرآن و نگارش خط عربـی رو بـه فزونی نهاد و به عبارت دیگر عربی فصیح از عربی غیر فصیح جدا شد.

پس از رفع مشکلات اوّلیه و وضع اعراب‌گذاری، إعجام، مشخّص کردن ابتدا و انتهـای آیات، به علّت ترس از تحریف قرآن هیچ فرد و حکومتی جرئت هیچگونه تغییری در قرآن را نداشت. در نتیجه تمامی تلاش‌هایی که در این عرصه بـه‌وجـود آمـد تمامـاً منحصـر در خطّاطی و زیبایی گردید. اما از قرن سوّم به بعد کتاب‌هایی بر محوریـت رسـم‌المحـف بـه نگارش درآمد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: «هجاء المصاحف» از محمد بن عیسی اصفهانی (متوفی ۲۵۳هـ)، «اختلاف المصاحف» و «الهجاء» از ابوحـاتم سـهل بـن محمـد سجسـتانی (متوفی ۲۵۵هـ)، «المقنـع فـی معرفـة مرسـوم مصـاحف الامصـار» و «المحکـم فـی نقـط

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

المصاحف» از ابوعمرو عثمان بن سعید دانی (متوفی ۴۴۴هـ) و... در قرون معاصر نیز پژوهش‌هایی درخصوص رسم‌المصحف انجام گرفته است که عبارتند از: «تاریخ القرآن و غرایب رسمه و حکمه» با یک عنوان از سه نویسنده؛ محمد طاهر کردی(قرن ۱۴)، محمد بن عبدالواحد دسوقی(قرن ۱۵)، عبدالفتاح اسماعیل شلبی (قرن ۱۵) و «رسم‌المصحف» از صالح محمد عطیه (قرن ۱۵)، «رسم‌المصحف» از غانم غدوری حمد(قرن ۱۵) و... .

پایان‌نامه‌هایی نیز در موضوع «رسم‌المصحف» نوشته شده است که عبارتند از: رسالهٔ دکتری «سیر تحوّل علم رسم‌المصحف و بازتاب آن در مصحف‌نگاری» از محسن رجبی به راهنمایی سید کاظم طباطبائی‌پور در سال ۱۳۹۳، پایان‌نامه کارشناسی ارشد «سیرتحول رسم الخط قرآن از آغاز تاکنون» از ملکه طالبی گوزللو به راهنمایی علی‌رضا دل افکار در سال۱۳۹۴، پایان‌نامه کارشناسی ارشد «تفاوت های معنایی رسم الخط متفاوت واژگان همسان در قرآن» از مصیب مرزبانی به راهنمایی رضا امانی در سال۱۳۹۵.

برخی از مقالاتی که در این زمینه به رشتهٔ تحریر در آمده‌اند عبارتند از: «رسم الخط، قرائت و حفظ قرآن کریم» از سید محمد باقر حجّتی در سال ۱۳۷۳، «اصول رسم الخط عثمانی» از م.س. عبدالحلیم (ترجمه: علی‌اکبر خان‌محمدی) درسال ۱۳۷۷، «تاریخچهٔ رسم الخط قرآن و سیر تحول آن» از سیدمهدی سیف در سال۱۳۸۲، «نگرشی به رسم الخط قرآن کریم (رسم المصحف)» از کریم دولتی در سال ۱۳۸۷، «بررسی دیدگاه نولدکه درمورد رسم الخط و کتابت قرآن» از محمد جواد اسکندرلو و سید حسن حسینی در سال ۱۳۸۸، مقاله «سیر تحول خطوط قرآنی در جهان اسلام» از مهدی صحرا گرد و علی‌اصغر شیرازی در سال ۱۳۹۱.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود تمام پژوهش‌های صورت‌گرفته درمورد رسم‌المصحف حول محور «سیر تحوّل خط‌نویسی، اصول رسم‌المصحف، تفاوت‌های معنایی، ارتباط رسم‌المصحف با قرائات، جایگاه آن و...» نوشته شده‌اند و لذا وجه تمایز این پژوهش با سایر کارهایی که در مورد رسم‌المصحف انجام گرفته این است که در پژوهش حاضر تمامی آرای دانشمندان مسلمان و مستشرقان در یک مجموعه جمع‌آوری شده و تمامی نظرات

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

آنان نقد و بررسی شده است درنتیجه پژوهش حاضر با عنوان «نقد آرای مختلف درخصوص رسم‌الخط قرآن کریم» بدون پیشینه است.

۳- رسم‌المصحف

رسم المصحف از دو اصطلاح به شرح زیر تشکیل شده است:

۳-۱. رسم

«در زبان عربی و دیگر زبان‌های سامی (آرامی، عبری، سریانی، مندائی)، معنای اصلی «رَسَمَ»، اثر و نشانه‌ای(علامت گذاشتنی) است که پایدار و باقی بماند» (مشکور، ۲۹۴/۱) و «از آن‌جا که فرایند نوشتن، در مراحل نخستین خود در ابزاری انجام می‌گرفت که ظهور و ماندگاری بیشتری داشت، به عمل نگاشتن و کتابت نیز «رسم» می‌گفتند» (ابن فارس، ۳۹۳/۲).

۳-۲. مصحف

«مصحف» از ریشهٔ «صَحَفَ» است که در عربی جنوبی و حبشی به‌معنای نوشتن است (مشکور، ۴۷۷/۱). ولی نوع ابزاری را که تمدّن‌های جنوبی (واقع در یمن) و حبشیان برای نگارش به‌کار می‌برده‌اند (برگه‌ها و اوراق پهن و مسطّح)، سبب شد که واژهٔ «صحف» در تبادل فرهنگی جنوب با سرزمین حجاز، معنای مسطّح و ورقه ورقه بودن را با خود انتقال دهد (ابن فارس، ۳۳۴/۳). چنان‌که صحیفه و صحائف به مفهوم ورق و صفحه‌هایی که بر آن می‌نویسند، در ادبیات قدیم عرب نیز به‌کار رفته است (جفری، ۲۸۷-۲۸۸).

به‌طور کلّی رسم‌الخط بر دو نوع است: ۱- رسم‌الإملاء ۲- رسم‌المصحف.

۳-۳. رسم‌الإملاء

در «رسم‌الإملاء»؛ کلمات، مطابق با تلفّظ و نطق نوشته می‌شوند (مگر در برخی موارد استثنایی).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

۳-٤. رسم‌المصحف

قرآنی که در زمان عثمان گردآوری شد، به قرآن عثمانی موسوم گردید. این قرآن با رسم‌الخط مخصوص و منحصری که در آن اعمال شده بود، موسوم به «الرسم‌العثمان»، یعنی رسم‌الخط منتسب به عثمان شد. «نام دیگر این قرآن «رسم‌المصحف» است، که البته منظور همان مصحف عثمانی است» (عبدالحلیم، ص۱۲). «رسم‌المصحف» که یکی از دانش‌های پیچیده و دشوار علوم قرآنی است، عبارت است از: «نگارش خاص کلمات قرآنی با اسلوب و قواعدی متمایز از رسم‌الخط عربی معمول» (تفکری، ۷۶). در واقع؛«رسم‌المصحف؛ آیین نگارش و آداب کتابت قرآن را از طریق روایت بررسی می‌کند. یعنی کتابت مستند به روایت است و معلّمان و مقریان، صورت نوشتاری قرآن را نیز روایت می‌کنند» (سزگین، ۳۵/۱).

۳-۵. تفاوت رسم‌المصحف با رسم‌الإملاء

مسلمانان از همان ابتدا دقّت بسیاری نمودند که غیر از قرآن چیزی بدان راه نیابد. آن‌ها این ویژگی را تا زمان حاضر نیز حفظ نموده‌اند. یعنی قرآنی را که صحابه نوشته بودند، با همان ویژگی‌ها حفظ کردند. در زمان پیامبر(ص) تا سال‌های متمادی رسم‌الإملاء عربی با رسم‌المصحف مطابقت داشت. اما در گذر زمان رسم‌الخط عربی متحوّل گردید و تا امروز رو به پیشرفت نهاده است. از آن‌جا که رسم‌الخط عثمانی یکی از منابع اوّلیه برای رسم‌الخط عربی محسوب می‌شد و از طرفی رسم‌الخط جدید، مسیر متفاوتی را در پیش گرفت، امروزه شاهد تفاوت‌هایی در رسم‌الخط مصحف با رسم‌الخط عربی (رسم‌الإملاء) هستیم. «در حقیقت رسم‌الخط عربیِ معمول تفاوت فراوانی با رسم‌الخط عربی متقدم دارد؛ از این‌رو رسم‌الخط اصیل قرآن، بی‌شَک همان «رسم‌الخط عربی متقدم» است و باید در بررسی‌ها معیار قرار گیرد» (پاکتچی، ۲۰-۲۱).

آن‌چه که در این مقاله به‌عنوان تفاوت «رسم‌المصحف» با «رسم‌الإملاء» مدّنظر نگارنده است، مربوط به دو مبحث می‌شود که نباید آن‌ها را با یکدیگر خلط نمود: ۱- تغییر

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

رسم‌الإملاء عربی که ناشی از پیشرفت کتابت بود و عدم تغییر رسم‌المصحف به علّت قداست ۲- وجود واژگان همسان با نگارش متفاوت در رسم‌المصحف و این دو تفاوت است که اندیشمندان مختلف را وادار نموده است که نظرات گوناگونی ارائه دهند.

۳-۶. ویژگی‌های رسم‌المصحف

به گفته برخی از محققان: «یکی از دلایل قطعی و تردیدناپذیرِ وجود تفاوت، میان رسم‌المصحف با رسم‌الخط املایی، متأثّر بودن خط کوفی از سایر خطوط است. به‌عنوان نمونه به‌جهت آن‌که خط کوفی از خط سریانی نشأت گرفته بود، تحت تأثیر آن خط، الف در وسط کلمه نوشته نمی‌شد. دلیل دیگر تفاوت در رسم‌المصحف با رسم‌الإملا، عدم آشنایی و تسلّط عرب به فنون خط و روش‌های کتابت، در آن زمان بوده است که جز تعداد کمی از آنان کتابت نمی‌دانستند و خطی را هم که این عدّه‌ی اندک بدان می‌نوشتند، خطی ابتدایی و در حد پایین و اوّلیه بوده است. آثار باقی‌مانده از صدر اوّل، این موضوع را نشان می‌دهد» (ابن خلدون، ۴۳۸).

افزون بر مطلب بالا، یکی دیگر از مواردی که موجب شده است این نوع رسم متفاوت باشد، تأثیر پذیرفتن رسم‌المصحف از ویژگی‌های لهجهٔ قریش است. شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد در لهجهٔ قریش «نبر؛ همزه» وجود نداشته است. قریشیان، قرآن را تقریباً بدون همزه قرائت می‌کردند و آثار این حذف در کتابت قرآن توسّط آنان آشکار است. علاوه بر آن، احادیثی نیز وجود دارد که این حقیقت را بازگو می‌نماید. پیامبر(ص) می‌فرمایند: «تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ بِعَرَبِيَّتِهِ وَ إِيَّاكُمْ وَ النَّبْرَ فِيهِ يَعْنِي الْهَمْز» (صدوق، ۳۴۴؛ حرعاملی، ۲۲۰/۶). امام صادق(ع) نیز می‌فرماید: «الْهَمْزُ زِيَادَةٌ فِي الْقُرْآن» (ابن شعبه حرّانی، ۳۷۹؛ مجلسی، ۲۶۴/۷۵).

«کُتّاب قریشی قرآن، آن‌چه را به‌گوش می‌شنیدند، ضبط می‌کردند. بنابراین کلماتی چون «سَأَلَ، بَؤُسَ و سُئِلَ» که در حجاز تقریباً به‌صورت «سآل، بوس و سیل» تلفّظ می‌شد، را

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

به‌همین صورت اخیر نوشتند (البته بدون نقاط و اعراب و...). پس از چندی که قرآن از محدودهٔ قبائل حجازی خارج شد و انتشاری همگانی یافت، مسلمانان غیر قریشی، آن را به لهجهٔ خویش، یعنی با حفظ همزه به‌صورت حرف صامت کامل، قرائت کردند. یعنی مثلاً شکل‌های «جیت، سآل و بوس» را «جئت، سأل و بؤس» تلفّظ کردند و همین تلفّظ در همه‌جا رایج شد. امّا کسی از علما و خط‌شناسان و کُتّاب را یارای آن نبود که در نوشتهٔ قرآنِ مقدّس تغییری ایجاد نماید؛ یعنی علائم مصوّت‌های بلند را برداشته و به‌جای آن شکلی که نمایش‌گر همزه باشد را قرار دهد و به همین جهت بود که از نقطه یاری گرفتند. امّا می‌دانیم که در قرن‌های اوّلِ اسلام، نقطه‌هایی که در زیر و زِبَر حروف قرار می‌دادند نمایشگر حرکات بود لذا برای این‌که نقطهٔ علامت همزه با نقطه‌های حرکات اشتباه نشود، آن‌را به رنگ دیگری بر روی «ی،و،ا» قرار می‌دادند. این روش نقطه‌گذاری تا حدود قرن پنجم هجری نیز رواج داشت. از آن‌پس علامتی را که ظاهراً از «ع» اقتباس شده به‌جای نقطه‌های رنگین قرار دادند که تا به امروز مورد استعمال است» (آذرنوش، ۱۴۳-۱۴۴).

مطالبی که ارائه گردید مواردی بود که عامل این تفاوت در این دو نوع رسم‌الخط شده است. ابوعمرو دانی (م۴۴۴ق) خصوصیات رسم‌الخط عثمانی را با جزئیّات در کتاب خود موسوم به المقنع آورده است که همواره منبعی ارزشمند برای این علم است. سیوطی نیز قواعد رسم‌الخط عثمانی را در شش بند ذیل معرفی کرده است (سیوطی، ۵۳۵/۲).

۱- حذف؛ «یاء» از نداء حذف شده است. همانند: (یأیّها النّاس)، (یأدم)، (یرب)، (یعبادی) و... .

۲- زیاده؛ «الف» در بین «جیم» و «یاء» افزوده شده است. همانند: (جایء)(الفجر،۲۳) و...

۳- بدل؛ «تاء» گِرد (مقطوعه) در برخی از مواقع به «تاء» مفتوحه بدل شده است. همانند (نعمت) (المائده، ۱۱) و...

۴- وصل و فصل؛ «کُلّما» در همه‌جا متّصل نوشته شده است مگر در (کُلَّ ما) (النساء، ۹۱؛ المؤمنون، ۴۴) و...

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

۵- آن‌چه دو قرائت در آن هست و مطابق یکی از آن دو نگارش شده است؛ (مَلِک) (الحمد، ۴) و...

۶- همزه؛ اگر ما قبل آن ساکن باشد حرف آن حذف می‌گردد، مانند: «یسئل» (البقره، ۱۸۹) و «لا تجأروا» (المؤمنون، ۶۵) مگر «النّشأة» و «موئلا» در سورهٔ الکهف و...

۳-۷. علّت وجود تفاوت‌ها در رسم‌المصحف

همان‌طور که بیان شد، دو نوع تفاوت در رسم‌المصحف با رسم‌الإملاء عربی وجود دارد.

۱- یکی از این تفاوت‌ها مربوط به پیشرفت رسم‌الخط عربی و تغییر آن می‌باشد که رسم‌المصحف، در گذر زمان تغییر نکرد و فقط علائم نگارشی (إعراب و إعجام) به آن افزوده شد. این نوع رسم‌الخط که متأثّر از خط کوفی کهن می‌باشد دارای یک‌سری قواعد است که قاری قرآن می‌بایست ابتدا مقداری با آن‌ها آشنایی پیدا کند و سپس اقدام به قرائت قرآن نماید. همانند «یبنئم/ یا بن امّ»، «رحمن/ رحمان»، «کتب/ کتاب»، «یادم/ یا آدم» و... .

۲- تفاوت بعدی وجود واژگان مشابه با رسم‌الخط متفاوت است «مانند کلمهٔ کتاب که در برخی از آیات به‌صورت الکِتَب و در برخی دیگر از آیات به صورت الکتاب نوشته شده است». دانشمندان برای توجیه این نوع تفاوت دو نظریه ارائه داده‌اند:

۲-۱. برخی از علماء این تفاوت‌ها را ناشی از غلط‌های املائی می‌دانند که توسّط کاتبان وحی در مصحف نگاشته شد. محمد هادی معرفت معتقد است: «رسم الخط مصحف عثمانی، برخلاف مصطلحات عمومی است و دارای غلطهای املایی فراوان و تناقضهای بسیار، در نحوه نوشتن کلمات می‌باشد؛ به طوری که اگر قرآن از طریق سماع و تواتر در قرائت ضبط نمی‌شد و مسلمانان این روش را از پیشینیان خود به ارث نمی‌گرفتند و با دقت و توجه تمام به حفظ آن نمی‌کوشیدند، قرائت صحیح بسیاری از کلمات، محال بود» (معرفت، ۱۲۳).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

۲-۲. برخی دیگر معتقدند که: «در تحقیقات جدیدی که توسّط باستان‌شناسان صورت گرفته، مشخص شده است که دلیل اختلافات موجود در خط مصحف، وجود یک‌سری سنّت‌ها و چارچوب‌های املائی بوده که در خط‌های سایر بلاد وجود داشتند و وارد خط قرآن شد که در آن‌ها، نگارش متفاوت واژگان همسان، جایز بوده است. ادلّهٔ این گروه، سنگ‌نوشته‌ها و خطوط به‌جای مانده از زمان قبل از پیامبر(ص) است که تفاوت رسم‌الخطّی واژگان همسان در آن وجود دارد». از جمله این افراد می‌توان به غانم قدوری حمد (۳۴ـ۴۱) و احمد پاکتچی (۱۹) اشاره کرد.

٤- دیدگاه‌های مختلف درخصوص رسم‌المصحف

رسم‌الخط کنونی قرآن و به عبارت دیگر «رسم‌المصحف» و یا «رسم‌العثمان»، مشکلات فراوانی را در امر قرائت به‌ویژه برای مبتدیان ایجاد کرده است. مثلاً زمانی‌که قاری قرآن به کلمهٔ «الرّحمن» می‌رسد متحیّر می‌ماند آن را به چه صورت بخواند، چون حرف الف را بعد از میم مشاهده نمی‌کند؛ (حذف). یا در کلمهٔ «اولئک»، طبق آموزه خود، واو را بعد از همزه تلفظ می‌کند، با اینکه قرائت صحیح به او رخصت چنین کاری را نمی‌دهد، و علاوه بر این بعد از لام نیز حرف الف دیده نمی‌شود، و مشکل دو چندان می‌گردد؛ (اضافه و حذف). بدین‌سان در کلمهٔ «مائة» (النور، ۲) ناگزیر باید طبق رسم قیاسی الف را اظهار و تلفظ کند با اینکه نباید آن را به تلفظ در آورد؛ (زیادت) و... . با وجود این ویژگی‌ها؛ برخی از اندیشمندان معتقدند که این نوع متن به دلیل اضطرابی که دارد معتبر نیست برخی دیگر نیز بر این عقیده هستند که این اختلافات ناشی از تفاوت در رسم‌الخط عربی در گذر زمان است و بدون اینکه خدشه‌ای در ساحت قرآن وارد بدانند می‌گویند بهتر است قرآنی بر اساس اصول رسم‌الإملاء نگارش شود تا قرائت آن برای سایرین راحت باشد. برخی دیگر نیز معتقدند که این نوع رسم‌المصحف توقیفی بوده و هرگونه تغییر در آن حرام است. برخی دیگر نیز پا را از این هم فراتر نهاده و معتقدند که این نوع رسم‌الخط معجزه است. البته

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

برخی هم همچون رؤوف شلبی در این امر سکوت کرده‌اند و می‌گویند نمی‌شود در این باره اظهار نظر کرد. در ادامه طرفداران هریک از این نظرات را معرفی می‌کنیم و به نقد و بررسی دلائل آن‌ها می‌پردازیم.

٤-١. مضطرب بودن رسم‌المصحف

در بین مسلمانان هیچ کس معتقد به مضطرب و نامعتبر بودن متن قرآن نیست و افراد معدودی هم که در طول تاریخ مطالبی را درخصوص تحریف به زیاده و نقصان در قرآن نوشته‌اند، به علت اعتقادات کلامی و... بوده است ولی در راستای ویژگی‌های رسم‌المصحف هیچ کدام از مسلمانان حجّیت الفاظ قرآن را خدشه‌دار نکرده است و لذا افرادی هم که معتقد به تغییر در رسم‌المصحف هستند در عین اعتقاد به نزاهت قرآن آن را مربوط به ویژگی‌های خط عربی در گذر زمان می‌دانند.

٤-١-١. موافقان این دیدگاه

طرفداران این دیدگاه فقط برخی از مستشرقین می‌باشند. در قرن‌های اخیر مطالعات مستشرقین بر روی متون اسلامی رو به فزونی نهاده است. در رأس این مطالعات قرآن قرار دارد زیرا با از بین بردن قداست و حجّیت قرآن در حقیقت حجّیت اسلام از بین رفته است. برخی از مستشرقان که با انگیزه‌های مختلف؛ پژوهشی، تبشیری – تبلیغی، استعماری و... بر روی میراث مکتوب مسلمانان مطالعه می‌کنند بدنبال اثبات معارضه‌پذیر بودن و تحریف قرآن هستند که بدنبال آن عدم وحیانی بودن قرآن را اثبات کنند. این مطالعات که در مباحث مختلف علوم قرآنی صورت پذیرفته است در مورد رسم‌الخط قرآن و یا همان رسم‌المصحف نیز شبهاتی را بدنبال داشته است.

۱- نولدکه معتقد است «عثمان به‌دنبال دفع اختلافات قرآن و متن آن است اما دیگران درمورد این اختلافات سهل‌انگاری می‌کنند و مانع از زدودن آن می‌شوند» (نولدکه، ۵۴۶) و

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

در نهایت می‌گوید «قرآن متن واحد و معتبری ندارد و باید چنین متنی را برای آن ایجاد کنیم» (همانجا).

۲- گلدزیهر می‌نویسد: «قرآن به جهت تعدد قرائات، نصّ واحدی ندارد و هیچ کتابی از جهت اضطراب نصّ همانند قرآن نیست، هیچ کتاب قانون‌گذاری یافت نمی‌شود که جمعی معتقد باشند آن نصّ وحی الهی و از قدیمی‌ترین نصوص است و حال آن‌که نصّ آن مضطرب و ناپایدار باشد آن‌چنان که این اضطراب و ناپایداری درمورد قرآن یافت می‌شود» (گلدزیهر، ۴).

۳- لوگزنبرگ نیز می‌نویسد: «قرآن به زبان عربی نوشته نشده است بلکه به زبانی مخلوط از عربی – آرامی است که در زمان پیامبر(ص) در مکه رایج بوده، چون مکه در اصل منطقه‌ای آرامی بوده است. این زبان مختلط (عربی و آرامی) از آغاز با خطّی ناقص بیان می‌شده یعنی بدون إعراب و بدون نقطه و سیستم نقطه‌گذاری را بعداً برای تمایز حروف ابداء کرده‌اند. (لوگزنبرگ، ۲۹۹).

٤-١-٢. دلایل این گروه

نولدکه می‌نویسد «تا قرن چهارم، حروفی که در مصاحف به‌کار می‌رفت با حروف رائج عربی «حروف کوفی» فرق داشت، یعنی درواقع مصاحف به خط ابتدایی کتابت می‌شد (نولدکه، ۶۷۹)، این شبیه همان نظری است که لوگزنبرگ دارد. بلاشر نیز می‌نویسد: «برای پاره‌ای از مؤمنان به واقع این کلمات قرآن نبود که اهمیت داشت، بلکه مهم توجه به روح آن و معنای آن بود. از آن موقع به بعد اگر کلماتی تنها مترادف بودند و اختلاف دیگری نداشتند انتخاب آن‌ها یکسان و مساوی بود بنابراین نظریهٔ «از حفظ خواندن بر حسب معنا» در حقیقت بسیار خطرناک بود زیرا رواج قرآن را به میل و هوس افراد واگذار می‌کرد» (بلاشر، ۸۶-۷۷).

این افراد و برخی دیگر از مستشرقین با انگیزه‌های مختلف بدنبال از بین بردن حجّیت قرآن هستند. مطالعات آن‌ها با توجه به پیش‌فرض خاص، منابع محدود، روش تحقیق ویژه

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

و... قابل نقد و تامّل جدی است. به عنوان نمونه می‌توان گفت که تقریبا همه مستشرقین معتقدند قرآن بعد از رحلت حضرت محمد(ص) نوشته شده است (نولدکه، ۲۴۰) از طرفی با ایراداتی که بر خط عربی در زمان پیامبر(ص) وارد می‌کنند بدنبال از بین بردن اعتبار نگارش متن قرآن هستند. دلیل دیگری که این گروه از مستشرقان بر پایهٔ آن چنین نتیجه‌ای گرفته‌اند؛ ارتباط متن قرآن و قرائات مختلف است ولذا با خدشه وارد کردن به قرائات مختلف، متن قرآن را نیز خدشه‌دار می‌کنند. نولدکه می‌نویسد: «بین متن قرآن و قرائات مختلف ارتباط حقیقی وجود دارد» (نولدکه، ۵۷۳).

٤-١-٣. نقد و بررسی

حقیقتی که این دسته از مستشرقان آن را نادیده گرفته‌اند این است که آن‌چه موجب شده است قرآن سینه به سینه نقل شود انتقال از حافظه‌ها بوده است نه انتقال از مصاحف و کتاب‌ها، زیرا قرآن آن چیزی است که خوانده می‌شود نه آن چیزی که نوشته می‌شود. به عبارت دیگر اگر در زمان نزول قرآن ضبط صوتی وجود داشت و صدای پیامبر(ص) ضبط می‌شد شاید تا کنون هیچ کس به خود جرئت نوشتن قرآن را نمی‌داد مگر اینکه خود پیامبر(ص) دستور به نگارش نیز می‌داد. از طرفی قرائت قرآن پیش از تدوین قرآن‌های عثمانی وجود داشته است و بنای قاریان بر قرائت‌ها، کتابت نبوده بلکه روایت بوده است. این حقیقت را برخی از دانشمندان با عبارت «للقرآن و القراءات حقیقتان متغایرتان» (خوئی، ۱۵۸) بیان کرده‌اند.

نولدکه و لوگزنبرگ درخصوص ناقص بودن خط زمان نزول قرآن و تفاوت آن با خط کوفی هیچگونه سندی ارائه نداده و صرفاً یک ادعا کرده‌اند، این در حالی است که بیشتر دانشمندان معتقدند که قرآن در ابتدا به خطّی نگارش می‌شد که بعداً به خط کوفی مشهور گشت (عبود الجبوری، ۷۴ و ۱۴۱). عبدالفتاح عباده می‌گوید قرآن از زمان خلفای راشدین تا اواسط دورهٔ اسلامی به خط کوفی نوشته می‌شد (عباده، ۱۴). یوهان فک در این زمینه

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

می‌نویسد: «این ساختارها چون غلط‌های رایج در زبان عربی نبوده و خارج از ضوابط زبان عربی نیست» (یوهان فک، ۶). حتی رژی بلاشر نیز معتقد است «با وجود این‌ها، دربارهٔ این ناهماهنگی‌ها زیاده‌روی نکنیم، این ناموزونی‌ها اصولی نبوده و در معنای متن نیز تغییری نمی‌دهند. اهمیت آن در واقع بر این حقیقت متّکی است که این ناهماهنگی‌ها در آن واحد دقتی را می‌رساند که برای تدوین مصحف عثمانی به‌کار رفته، حتّی وقتی هم که املایی غلط بنظر می‌آمد، از روی علاقه‌هایی که به حفظ متن نازل شده بود، کلمه بر همان صورت قدیمی‌اش حفظ شده تا احترامش همچنان محفوظ بماند» (بلاشر، ۱۹۱).

مهمترین نقدی که می‌توان بر این دسته از افراد وارد کرد تاریخچهٔ بحث رسم‌الخط قرآن است. این تاریخچه آنقدر قوی است که هر انسان غیر متعصّبی را متقاعد می‌کند که متن قرآن هیچگونه اضطرابی ندارد.

در زمان نزول قرآن کاتبان وحی وظیفهٔ نگارش قرآن را بر عهده داشته‌اند و لذا بر اساس همان قواعد رسم‌الخطی که در آن زمان مرسوم بود قرآن را می‌نوشتند و هیچ گزارش تاریخی وجود ندارد که بگوید صحابه‌ای که جزء کاتبان وحی بودند نگارش خاصّی را تعلیم دیده بودند و موظّف به نگارش براساس آن بودند. از طرفی براساس گزارش‌های تاریخی افراد مختلفی به نگارش قرآن می‌پرداختند و سایرین نیز ناظر بر آن‌ها بودند لذا همهٔ این افراد از یک نوع آیین رسم‌الخط تبعیت می‌کردند. در همان اوایل نزول قرآن افراد زیادی از اعراب فصیح و حتّی از یهودیان و... قصد داشتند که ایراداتی را بر قرآن وارد نمایند اما هیچ گزارشی وجود ندارد که حتی یک نفر از آن‌ها ایراداتی را که امروزه بر رسم‌المصحف می‌گیرند، وارد کرده باشند و این مسأله سال‌های متمادی وجود داشته است و همگان از هماوردی با قرآن و حتّی از همانند آوری با آن عاجز شده بودند.

توجّه به این تاریخچه و مطالعهٔ آثار دانشمندان مسلمان درخصوص قرآن و علوم قرآنی انسان را از ایراد گرفتن بر متن قرآن بی‌نیاز می‌کند و این همان مسئله‌ای است که اغلب مستشرقین به علّت کمبود در منابع مطالعاتی گرفتار خطای استدلالی و استنباطی می‌شوند.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

خلاصهٔ آنچه گذشت را می‌توان در کتاب‌های برخی از دانشمندان پیگیری کرد. به عنوان نمونه:

۱- زمخشری می‌نویسد: «کسانی‌که چنین ادّعایی می‌کنند با سنن کلام عربی و گونه‌های نصب بر اختصاص آشنا نیستند و نمی‌دانند که دشمنان اسلام اگر خطایی می‌دیدند دست از طعن و عیب‌جویی برنمی‌داشتند» (زمخشری، ۵۹۰/۱).

۲- طبرسی نیز می‌نویسد: «اگر چنین بود صحابه که اسوه امّت بودند آن را به لفظ غلط به مردم یاد نمی‌دادند» (طبرسی، ۳۰۳/۱).

۳- آیت الله خویی می‌نویسد: «اگر در قرآن کوچک‌ترین مخالفت با قواعد عربی دیده می‌شد، همان افراد بلیغ که بر اسلوب لغت عرب و مزایای آن بیشتر از دیگران واقف و با اطلاع بودند، روی همان نقطهٔ کوچک انگشت اشکال و ایراد می‌نهادند و آن را علیه قرآن، دلیل می‌گرفتند و در میدان مبارزه با قرآن پیروز می‌گردیدند و خود را از مبارزه با زبان و شمشیر راحت می‌نمودند و اگر یک چنین عملی انجام می‌شد، مسلما تاریخ برای ما ثبت و حفظ می‌کرد و حد اقل در میان دشمنان اسلام زبان به زبان نقل می‌شد. در صورتی که از چنین جریانی، هیچ اثری در تاریخ و در میان دوست و دشمن دیده نمی‌شود» (البیان، ۱۲۳).

۴- رامیار می‌نویسد: «معارضان قرآن خود از افراد بلیغ و آشنا به قواعد عربی بوده‌اند در صورت صحّت شبهات فوق آن‌ها خودشان به آن‌ها اشاره می‌نمودند بنابراین نمی‌توان ادّعای ناهمخوانی آیات قرآن با قواعد عربی را مستدلل نمود» (تاریخ قرآن، ۴۴۹).

٤-۲. اجتهادی بودن رسم‌المصحف

برخلاف دستهٔ اوّل که متن قرآن را مضطرب و غیر قابل اعتماد می‌پندارند و تنها از مستشرقان می‌باشند، دستهٔ دوّم و سوم اغلب از مسلمانان هستند. تمامی مسلمانان در طول تاریخ با دید تکریم و احترام به قرآن می‌نگریسته‌اند. دستهٔ دوّم افرادی هستند که معتقدند رسم‌المصحف توقیفی نبوده و براساس اجتهاد صحابه و نوع خاص رسم‌الخط عربی در زمان نزول قرآن بوده است. یعنی تمامی ویژگی‌هایی که در خط عربی در زمان نزول قرآن

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

وجود داشته است در نگارش قرآن راه یافته است و لذا اگر نقطه‌نظراتی درمورد نوع خاص رسم‌الخط قرآن کریم دارند آن را توسعه نداده و این اختلافات را فقط مرتبط به ویژگی‌های رسم‌الخط عربی می‌دانند. البته این مطابقت با رسم‌الخط زمان نزول قرآن زمانی می‌تواند اجتهادی باشد که با دخالت مستقیم پیامبر(ص) مبنی بر نگارش به صورت خاصّی نباشد که در این صورت رسم‌المصحف توقیفی می‌شود، هرچند که مطابق رسم‌الخط عربی آن زمان باشد. «بسیاری از علماء اهل سنّت معتقدند که کتّاب وحی از قواعد رسم الخط زمان خود پیروی می‌کرده‌اند. یعنی آن‌ها از اصول کتابت پیروی می‌کرده‌اند نه از تعالیم پیامبر(ص)» (فرّاء، ۴۳۹/۲؛ ابن قتیبه، ۵۷).

این افراد خود به دو دسته تقسیم‌بندی می‌شوند؛ دستهٔ اوّل کسانی هستند که موافق تغییر رسم‌المصحف (یعنی قرآن کنونی که با ویژگی‌های خاص نگارشی رسم‌الخط عربی قدیم نوشته شده است) براساس رسم‌الإملاء امروزهٔ عربی هستند و دستهٔ دوّم افرادی هستند که با وجود علم به توقیفی نبودن رسم‌المصحف معتقدند نباید نگارش قرآن کنونی را تغییر داد. با توجّه به اینکه این دسته از افراد در ادامهٔ پذیرش این رأی دلایل خود را نیز ذکر کرده‌اند قسمت جداگانه‌ای را برای ارائهٔ دلایل آن‌ها در نظر نگرفتیم.

٤-۲-۱. موافقان تغییر رسم‌المصحف

۱- غانم غدوری حمد در کتاب رسم‌الخط مصحف سلطان العلماء عزّ بن عبدالسلام (متوفی ۶۶۰ ه) را اوّلین نفری می‌داند که بر این عقیده بوده است، او می‌نویسد: «او در میان علمای گذشته، در این عقیده متفرّد است که کتابت مصحف مطابق با هجای متعارف در میان مردم جایز است بلکه او این کار را واجب می‌داند تا از سوی جاهلان در قرآن تغییری داده نشود. زرکشی این عقیده او را در کتاب «البرهان» آورده و می‌گوید: «شیخ عزّ الدین بن عبدالسلام گفته است: کتابت مصحف در حال کنونی مطابق با رسم اولیه که پیشوایان فن گفته‌اند، جایز نیست و این بدان جهت است که قرآن دچار تغییر از سوی جاهلان نباشد»

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

(قدوری حمد، ۱۸۱). اما بنظر می‌رسد ابن قتیبه و قاضی ابوبکر باقلانی جزء اولین نفراتی هستند که می‌توان آن‌ها را در این دسته قرار داد.

۲- ابن قتیبه (۳۰۳ق) می‌نویسد: «اگر نبود که مردم به این سه حرف (الصلوة، الزکوة و الحیوة) عادت کرده‌اند و نمی‌توان با آن مخالفت نمود، بهترین چیز نزد من این بود که همهٔ این‌ها را با الف بنویسند. وی «علّت پیروی از رسم عثمانی را فقط جهت تیمّن می‌داند» (ابن‌قتیبه، ۴۱-۴۰).

۳- قاضی محمد بن الطیب ابو بکر باقلانی (متوفای ۴۰۳ ه) در این زمینه در کتاب خود الانتصار می‌نویسد: خداوند شکل و نحوهٔ خاصی از کتابت و نوشتن را بر مردم واجب نکرده است و برای نوشتن قرآن و نویسندگان مصاحف، رسم الخط خاصی معین نشده که موظف باشند بر طبق آن قرآن را ثبت کنند و از رسمی جز آن بپرهیزند؛ زیرا وجوب این موضوع منوط به وجود مدرک و مأخذ است و در نصوص کتاب به مفهوم آن اشاره‌ای نشده است که باید کتابت، ثبت و ضبط قرآن به طریقه‌ای خاص و با خطی معین انجام گیرد و از آن تجاوز نشود. همچنین در سنت، چنین مطلبی وجود ندارد و اجماع امت نیز این امر را واجب نشمرده و قیاسات شرعی نیز بر چنین موضوعی دلالت ندارد. بلکه سنت دالّ بر آن است که قرآن را می‌توان به هر شکلی که آسان‌تر باشد، نوشت؛ زیرا پیامبر (ص) فقط به کتابت قرآن امر کرد و هیچ طریقه خاصّ و رسم الخط معینی را برای نوشتن آن، معین نکرد و هیچ‌کس را از کتابت آن، نهی نفرمود و از همین رو خطوط مصحفها مختلف است و هر گروهی با روشی که بین خود آنان مصطلح و متداول بوده است، قرآن را نوشته‌اند و ازاین‌رو می‌توان، خط آن را با حروف کوفی و خط اولیه نوشت، لام را به صورت کاف و الفها را کج نگاشت و می‌توان آن را به شکلی دیگر، حتی با خط و روش قدیم و یا با خط جدید و یا روشی میانه، کتابت کرد. خلاصه هرکس مدعی است که برای کتابت قرآن باید رسم الخط معیّنی را به کار برد ناگزیر از اقامه دلیل است و این دلیل کجاست؟ (باقلانی، ۵۴۸/۲).

۴- ابن خلدون (۸۰۸ق) می‌نویسد: بعضی از افراد ناآگاه گمان کرده‌اند که صحابه

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

صنعت خط را به خوبی و به طور کامل می‌دانسته‌اند و برخی از نوشته‌های آنان که مخالف قواعد است از روی حکمت و علتی بوده است. اینان در مورد زیادت الف در «لأاذبحنّه» می‌گویند برای توجه به عدم وقوع ذبح است و در زیادت یا در «بأیید» معتقدند که به منظور جلب توجه بر کمال قدرت الهی است و از این قبیل مطالب، که هیچ اصلی ندارد جز رأی بدون دلیل شخصی که قابل توجه نیست (ابن خلدون، باب پنجم، ۴۱۹ و باب ششم، ۴۳۸).

۵- صبحی صالح نیز در این دسته قرار دارد. او می‌نویسد: «تردیدی نیست که این مطالب غلوّ و مبالغه‌ای است درباره رسم الخط مصحف عثمانی. از منطق دور است که رسم‌الخط را امری توقیفی و به امر پیامبر(ص) بدانیم و یا تصور کنیم که مشتمل بر اسراری است؛ همان‌طور که فواتح برخی از سور دارای اسرار است. هیچ موردی، برای مقایسه رسم الخط با حروف مقطعهٔ اوایل سور که قرآن بودن آنها به تواتر ثابت است، وجود ندارد. اینها اصطلاحاتی است که نویسندگان آن زمان، منظور کرده‌اند و عثمان نیز با این اصطلاحات، موافقت کرده است» (صالح، ۲۷۷). او در مورد مطالب باقلانی نیز می‌نویسد: «عقیده قاضی ابو بکر در زمینه مورد بحث، قابل قبول است. او دلایلی محکم و نظری دوراندیش دارد. عواطف و احساسات خود را در مورد بزرگداشت پیشینیان، بر دلیل و برهان، مقدم نشمرده و بین آن دو خلط نکرده است. آنان که رسم الخط قرآن را توقیفی و همیشگی می‌دانند گرفتار احساسات خود هستند و عواطف و مذاق شخصی خود را در این امر دخالت داده‌اند؛ در حالی که عواطف و ذوق‌های شخصی نسبی است و نباید آنها را در امور دینی دخالت داد؛ چه حقایق شرعی از ذوق و عاطفه استنباط نمی‌شود». (همانجا، ۲۷۹).

در میان شیعیان نیز برخی از علما این عقیده را دارند؛ براساس فتوایی که آقای عظیمی در سال ۱۳۸۷ شمسی از مراجع تقلید قم نموده‌اند، همگی بر عدم توقیفی بودن «رسم‌المصحف» اذعان نموده‌اند و تنها ملاک را بی‌غلط بودن قرآن می‌دانند.

۶- آیت الله صافی گلپایگانی؛ «املاء روز را مقدّم بر رسم‌المصحف می‌دانند و دلیل آورده‌اند که رسم‌المصحف در بسیاری از موارد، سبب اشتباه و غلط خواندن می‌شود» (htttps://www.porseman.com).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

۷- آیت الله شیخ مجتبی تهرانی؛ «املاء روز را به‌خاطر سهولت در آموزش قرآن کریم و نیز تناسب بیشتر این شیوه نگارش با تلفّظ حروف بهتر می‌دانند» (htttps://www.porseman.com).

۸- آیت الله شبیری زنجانی؛ «انتخاب روش را بستگی به شرایط محل آموزش قرآن و شرایط دانش‌پژوهان می‌داند» (htttps://www.porseman.com).

۹- آیت الله مکارم شیرازی؛ «املاء روز را بهتر می‌دانند و تفاوت‌ها(در رسم‌المصحف) را ناشی از اغلاط املائی کاتبان وحی پنداشته و راه علاج آن را تغییر رسم‌الخط قرآن برمی‌شمرند» (مکارم، ۵۵).

۱۰- آیت‌الله معرفت می‌نویسد: «همهٔ محققان، تبدیل رسم‌الخط قدیم را به رسم‌الخط کنونی جایز می‌دانند زیرا رسم‌الخط پیشین با دستور پیامبر صلّی اللّه علیه و آله نبوده، بلکه روش نویسندگان آن روز بوده یا کتابت در مراحل بدوی بوده و از دقت لازم برخوردار نبوده است. اما امروز با پیشرفت روش‌های کتابت و تکمیل آن که خواندن را برای همگان آسان کرده است، چاره‌ای جز تغییر رسم‌الخط گذشته به رسم‌الخط کنونی که همه بدان آشنا هستند و قرآن را در دسترس عامهٔ مردم قرار می‌دهد، نیست. این امر موجب تحقق بخشیدن به منظوری است که قرآن برای آن نازل شده و آن هدایت و راهنمایی همگان برای همیشه است» (معرفت، ۱۶۵-۱۶۴).

۱۱- آیت‌الله جوادی آملی در دیدار با جمعی از اعضای مرکز نشر و طبع قرآن کریم می‌فرماید: «این به‌معنی تعصّب جامد است که ما یک غلط را نگه بداریم و نگوییم این غلط است و خودمان غلط‌پذیر باشیم. ایشان می‌فرماید: در آیهٔ کریمهٔ «**أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن شَيْءٍ**» (الانفال، ۴۱) باید أنّ ما نوشته شود نه «أنّما». ما باید بگوییم این غلط است (یک)، ما فعلاً با شما هماهنگیم(دو)، در جلسات علمی راه غلط بودن را ثابت کنیم (سه)، امیدواریم شما در آینده تغییر جهت بدهید(چهار)، باهم یک قرآن چاپ بکنیم (پنج) و این «أنّما» را بنویسیم «انّ ما» (شش). اگر بیاییم به‌جای حفظ وحدت، تعصّب را به‌جای تحقیق بنشانیم و هیچ حرف نزنیم این نارواست. الآن این قرآن اسیر دست این‌هاست. خب کدام محقّق

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

هست که بین «أنّما» و «أنّ ما» فرق نمی‌گذارد. ما از این موارد خیلی داریم. ما یک «کلّما» داریم و یک «کلُّ ما» این‌ها خیلی با هم فرق دارند. بنابراین ما باید چکار کنیم؟ یکی این‌که قرآن ما همین است، یکی این‌که چون از سابق، خطّ کوفی یک نحو دیگر بود اشتباه نمی‌کردند ولی الآن اشتباه است؛ ما باید این را درست بنویسیم طوری باشد که معنا عوض نشود وگرنه اسرار و جمود بر رسم‌الخطّ فعلی بیش از یک تعصّب نیست. ایشان در پایان می‌فرمایند: کتابت به رسم‌المصحف قطعاً جایز است و بسیاری از علما گفته‌اند واجب است و احتیاط هم اقتضاء می‌کند که در جهان اسلام شق اعضای مسلمین نکنیم و مخالف با دیگران چیزی ننویسیم، بسیاری از علمای مصری، قرآن چاپ جمهوری اسلامی را دیدند و با وجود این‌که از نظر رسم با قرآن‌های خودشان متفاوت بوده، گفتند اگر براساس مراجع رسم، نوشته شده باشد، از نظر ما هم درست است» (به نقل از: http://portal.esra.ir).

٤-۲-۲. مخالفان تغییر رسم‌المصحف

برخی از علماء مخالف تغییر در رسم‌المصحف هستند و معتقدند که این نوع رسم الخط باید حفظ شود. در این مقاله ما این گروه را از گروه موافقان توقیفی بودن رسم‌المصحف جدا نمودیم، همان‌گونه که مخالفان توقیفی بودن آن را نیز از این‌ها جدا نموده‌ایم. زیرا برخی از این افراد به دلایل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... همچون؛ حفظ وحدت بین مسلمانان، اعتبار مصاحف کشور خود، وجود یک مصحف مشترک در دنیا، از بین بردن دست‌بردهای بیشتر در قرآن، دوری از نسبت دادن اعتقاد به تحریف توسّط دیگر فرقه‌ها و... مخالف تغییر در رسم‌المصحف هستند نه توقیفی بودن آن. این گروه عبارتند از:

۱- امام خمینی: «احوط آن است که از آن‌چه در ثبت و ضبط قرآن کنونی در دست مسلمانان است تخلّف نشود» (خمینی، ۱۵۲/۱).

۲- آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید: «مسئلهٔ رسم‌الخط نیز بسیار مهم است ... کیفیت نگارش کلماتی که مقرئین قدیمی ذکر کرده‌اند و معیّن کرده‌اند که این‌طور نوشته شود، مثلاً ابرهم یا

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

ملک؛ یعنی الف را محذوف می‌دانستند، این‌ها را باید رعایت کرد. در گذشته رعایت نمی‌کردند... برخلاف مصحف است عوض کردن آن‌ها. پس باید رعایت شود» (در دیدار با اعضای شورای دارالقرآن کریم سازمان تبلیغات اسلامی در تاریخ ۱۳۷۰/۰۶/۱۱).

۳- مرحوم مصطفی خمینی نوشته است: «در امری مانند قرآن در حفظ آن‌چه که از قدما به ما رسیده است، باید جانب تشدید را رعایت نموده تا مبادا در آن تحریفی صورت گیرد» (مصطفی خمینی، ۴۵۳).

۴- «کارشناسان مرکز طبع و نشر قرآن کریم معتقدند: اگر قرار باشد هر کشوری نگارش قرآن کریم را با این استدلال که برای مردم قابل فهم و آسان‌تر است، تغییر دهد، به‌هیچ‌وجه به صلاح نیست و موجب مخدوش شدن این گنجینهٔ عظم گذشتگان خواهد شد. کتابت قرآن کریم به روش رسم‌المصحف، میراثی است که از گذشتگان به دست ما رسیده و از این رو، پاس داشتن این میراث قدیمی امری ضروری است. از آن‌جا که اهل سنّت به‌شدّت نسبت به کتابت قرآن کریم به شیوهٔ رسم‌المصحف حسّاسیت دارند، اگر شیعیان برخلاف این مسأله قرآن را نگارش کنند، خود را در معرض تهمت تحریف قرآن قرار داده‌اند. باید درنظر داشت که دلیل تأکید مرکز طبع و نشر قرآن مبنی بر نگارش قرآن به‌شیوهٔ رسم‌المصحف، توقیفی بودن آن نیست؛ بلکه به‌دلیل مصالح جهان اسلام، لازم است کتابت کلمات یکسان باشد. همچنین با در نظر گرفتن برخی مسائل علمی و تخصصی، اگر ما نیز رسم‌المصحف را در کتابت قرآن رعایت کنیم، این امر موجب می‌شود، قرآن‌های چاپ ایران اعتبار جهانی پیدا کند و از طرفی کتابت قرآن براساس رسم‌المصحف باعث می‌شود که کلمات، قرائت‌های مختلف را اصطلاحاً تحمّل کنند»(http://www.teh-aliebneabitaleb.ir). «آن‌ها طی نامه‌ای به شماره ۱۰۸۴۵-۴۹۹-۴ در مورخ ۱۳۹۰/۰۸/۳۰ به اعضای خود رعایت قواعد «رسم‌المصحف» را الزامی دانسته‌اند» (htttps://www.porseman.com).

۵- از دانشمندان اهل سنّت، افرادی که مخالف تغییر رسم‌المصحف هستند، اغلب به توقیفی بودن آن معتقدند. مگر این‌که از برخی از نوشته‌های آن‌ها غیر از این فهمیده شود.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

به عنوان نمونه سیوطی با سند خود از ابن اشته نقل می‌کند؛ هنگامی‌که عبدالاعلی بن عبید الله بن عامر قرشی از نگارش قرآن فارق شدند آن را نزد عثمان آوردند سپس عثمان نگاهی به مصحف کرد و گفت: «أحسنتم و أجملتم، أری شیئا سنقیمه بألسنتنا» (سیوطی، ۵۵۲/۱). این به معنای آن است که عثمان برخی از اشتباهات را در مصحف دید و دستور نداد که آن‌ها را برطرف نمایند، بلکه گفت عرب آن را با زبانش صحیح قرائت می‌کند. از این عبارت نمی‌توان توقیفی بودن رسم‌المصحف را برداشت نمود و شاید علّت اصلاح نکردن آن، کمبود زمان، نبود وسایل نگارشی، نبود پوست و... باشد و به همین دلیل این عقیده در بین اکثر متقدمین وجود دارد. با اینکه مطلبی دالّ بر توقیفی بودن رسم‌المصحف در خلال جملات آن‌ها یافت نمی‌شود اما همگی معتقد به عدم تغییر آن هستند. این گروه اغلب افرادی هستند که در قرن‌های اوّلیهٔ اسلام زندگی می‌کرده‌اند و به علّت اینکه رسم‌الخط قرآن کریم با رسم‌الخط عربی زمان خودشان تفاوت چشم‌گیری نداشته است دلیلی بر توقیفی بودن آن نمی‌دیده‌اند و اعتقاد به توقیفی بودن رسم‌المصحف در قرن‌های بوجود آمد که اختلافاتی بین رسم‌المصحف و رسم الخط عربی به چشم می‌آمد و این افراد برای دور کردن شبهات از چهرهٔ قرآن معتقد به توقیفی بودن متن آن شدند.

۶- ابوحنیفه (۱۵۰ق) معتقد است: «سزاوار است که مصحف، جز به رسم عثمانی نوشته نشود» (صادق الرافعی، ۴۲/۱).

۷- دانی دربارهٔ فتوای مالک بن انس (م۱۷۹ق) درمورد رسم‌المصحف چنین می‌گوید: «از امام مالک دربارهٔ کسی‌که بخواهد در این زمان مصحفی بنویسد سؤال شد که آیا جایز است مطابق با حروفی که مردم در این زمان آن را ایجاد کرده‌اند بنویسند؟ وی پاسخ داد: من آن را جایز نمی‌دانم مگر این‌که براساس رسم‌الخط نخستین [زمان صحابه] نوشته شود» (دانی، ۹).

۸- شافعی (۲۰۴ق) نیز گفته است: «کلمهٔ «ربا» با واو نوشته می‌شود، چنان‌که در رسم عثمانی آمده و در قرآن با یاء و الف نوشته نمی‌شود زیرا این روش سنّت متبعه‌ای است»

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

(سیوطی، ۷۶).

۹- احمد بن حنبل (۲۴۱ق) هم فتوا داده است: «مخالفت با مصحف امام حتّی در یک واو، یاء، الف و مانند آن حرام است» (زرکشی، ۳۷۹/۱).

۱۰- جعبری نیز در شرح عقیله در خصوص عدم تغییر رسم‌المصحف گفته است: «این مذهب ائمه چهارگانه است» (نکـ : احمد بن مبارک: الابریز، ط ۱، مطبعه ازهریه مصر، ۱۴۶).

۱۱- قال طبری(۳۱۰ق): «لیس لأحدٍ خلاف رسوم مصاحف المسلمین» (طبری، ۱۱۲/۱).

۱۲- ابوبکر احمد بن حسین بیهقی(۴۵۸ق) در شعب الایمان چنین می‌نویسد: «کسانی که مصحفی را می‌نویسند، سزاوار است که بر هجایی که مصحف را با آن نوشته‌اند محافظت کنند و با پیشینیان مخالفت ننمایند و چیزی از آن را تغییر ندهند، چون آن‌ها در مقایسه با ما علم افزون‌تر و قلب و زبان صادق‌تر و امانت‌داری بیشتری داشتند؛ بنابراین نباید بر خود این گمان را ببریم که اشتباهات آنان را تصحیح کنیم» (قدوری حمد، ۱۸۰). از این جملهٔ بیهقی، فهمیده می‌شود که صحابه اشتباه املائی داشته‌اند نه این‌که رسم‌المصحف توقیفی باشد، زیرا کلمهٔ اشتباه با توقیفی بودن سازگار نیست.

٤-٣. توقیفی بودن رسم‌المصحف

در مقابل دو دستهٔ قبلی، دستهٔ سوّم افرادی هستند که معتقد به توقیفی بودن رسم-المصحف هستند. طرفداران این نظریه به دو دسته تقسیم می‌شوند. دستهٔ اول افرادی هستند که صرفاً معتقد به توقیفی بودن رسم‌المصحف هستند اما دستهٔ دوم افرادی هستند که علاوه بر توقیفی بودن رسم‌المصحف می‌گویند این نوع رسم‌الخط معجزه می‌باشد. هر یک از این افراد برای ادّعای خود دلایلی آورده‌اند که در ذیل هر قسمت به آن‌ها پرداخته می‌شود اما نقد و بررسی نظرات آن‌ها را در پایان این بخش قرار می‌دهیم زیرا عدم اعتقاد به توقیفی بودن رسم‌المصحف اعتقاد به معجزه بودن آن را نیز از بین می‌برد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

٤-۳-۱. موافقان این دیدگاه

همان‌طور که اشاره شد دربین دانشمندان اهل سنّت، افرادی که مخالف تغییر رسم‌المصحف هستند غالباً آن را توقیفی می‌دانند. زرقانی در مناهل العرفان، درمورد توقیفی بودن رسم‌المصحف از سوی علماء ادّعای اجماع می‌کند: «نُسب هذا القول فی بعض کتب علوم القرآن و کتب الرسم المتأخّره لجمهور العلماء» (زرقانی، ۳۴۶/۱). امّا به‌صورت موردی می‌توان به افراد ذیل اشاره نمود.

۲- زمخشری در کشاف نوشته است: در مورد رسم لام جرّ به صورت جداگانه در آیه: «وَ قالُوا ما لِهذَا الرَّسُولِ یَأْکُلُ الطَّعامَ» (الفرقان، ۷) می‌گوید: لام در مصحف جدا از (هذا) نوشته شده و این خارج از قاعده عربی است ولی خط مصحف سنت است و تغییر داده نمی‌شود (زمخشری، ۲۰۹/۳).

۳- لبیب در الدرة العقلیه در صفحهٔ ۳۰ نوشته است: کاری را که یکی از اصحاب انجام داده بر ماست که آن را اخذ کنیم و به فعل او اقتدا نماییم و از امر او پیروی کنیم در حالی که وقتی کاتبان مصاحف آنها را می‌نوشتند دوازده هزار نفر از اصحاب بر آنها نظارت داشتند (نکـ : قدوری حمد، ۱۸۱).

۴- ابن درستویه در مقدمه کتاب «الکتاب» می‌گوید: «کتاب خدا را دیدیم که هجای آن قابل مقایسه نیست و نمی‌توان با خط آن مخالفت کرد و باید آنچه که در مصحف آمده پذیرفت» (همانجا، ۱۷۹).

۵- محمدطاهر کردی در مورد رسم‌المصحف می‌نویسد: «رسم الخط مصحف، سرّی از اسرار است که هیچ‌کس از آن آگاه نیست» (کردی، ۱۶۲).

۶- از کلام ابو عمرو دانی (۱۰)، سیوطی (۱۶۸/۴)، مراکشی (۳۰)، مارغنی (۴۲)، حدّاد (۷۷)، حبیب الله شنقیطی (۱۳) و... نیز همین مطلب فهمیده می‌شود.

۴- افرادی هم که معتقد به «إعجاز رسم‌المصحف» می‌باشند نیز می‌بایست قبل از آن به توقیفی بودنش معتقد شده باشند. افرادی همچون: دبّاغ، محمد شملول و... .

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

٤-۳-۱-۱. ادلّه آن‌ها

۱- استناد به آیات «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (الحجر، ۹) و «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُواْ بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَ إِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ - لَّا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِن بَينِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيد» (فصلت، ۴۱و۴۲). زیرا این آیات دلالت می‌کند بر این‌که خداوند متعال خود را مکلّف بر حفظ قرآن دانسته است و هیچ باطلی، از هر نوعی در قرآن راه ندارد (سامرالنص، ۷-۵).

۲- استناد به برخی از روایات، به عنوان نمونه در مورد «الف» در بین حرف «باء» و «سین» در «بسم یا باسم» به این روایت استناد کرده‌اند که «رسول خدا(ص) به معاویه در نگارش «بسمله» فرموده است: لیقه در دوات قرار ده، قلم را کج کن، باء بسمله را بر فراز، و دندانه‌های سین را از هم جدا ساز، و میم را کور و تو پر ننگار و...» (متقی هندی، ۳۱۴/۱۰؛ شهیدثانی، ۳۵۰). زید بن ثابت می‌گوید: «رسول خدا(ص) می‌فرمود؛ هرگاه بسم‌الله الرحمن الرحیم را می‌نگاری، «سین» را واضح و روشن بنویس(یعنی دندانه‌های سین را مشخص نما)» (متّقی هندی، ۲۴۴/۱۰). در تعلیمی دیگر فرموده‌اند: ««باء» بسم الله الرحمن الرحیم را کشیده و بلند بنگار و دندانه‌های سین را مشخّص بنویس و میم را کور و تو پُر ننویس» (شهید ثانی، ۱۷۹).

۳- برخی معتقدند رسم قرآن توقیفی است و پیامبر(ص)، صحابه را ملزم به نگارش این‌چنینی قرآن نموده است و همان قرآن را ابوبکر در زمان خود جمع کرد و منبع نگارش قرآن در زمان عثمان گردید (شنقیطی، ۱۳). یعنی پیامبر(ص) شخصاً بر نگارش قرآن نظارت داشته است.

۴- «اجماع صحابه و تابعین و بعد از آن‌ها بر استحسان رسم عثمانی و منع آن‌ها از مخالفت با آن» (دانی، ۱۶۴؛ زرکشی، ۳۷۹/۱؛ مارغنی، ۴۲؛ زرقانی، ۳۷۷/۱؛ بریکان، ۳۰۷).

۵- محمد طاهر کردی ۳ دلیل برای اعتقاد به توقیفی بودن رسم‌المصحف آورده است که عبارتند از: «الف: علامه آلوسی در تفسیر خود، به نام روح المعانی می‌گوید: ظاهراً

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

صحابه رسم الخط را به خوبی می‌دانسته و به قواعد کتابت، عالم بوده‌اند؛ جز اینکه آنان در بعضی از موارد، بعمد و از روی حکمت و فلسفه‌ای، برخلاف این قواعد چیزی نوشته‌اند. ب: آنان با پادشاهان و امیران، مکاتبه می‌کردند و ناچار باید کتابت را به خوبی دانسته باشند. ج: در عهد عثمان، بیش از یک ربع قرن، از اشتغال مردم جزیرۀ العرب به امر کتابت و نوشتن، گذشته بود؛ آیا معقول است که صحابه در این مدت طولانی، کتابت را بدرستی فرانگرفته باشند؟» (کردی، ۱۰۲-۱۰۱).

٤-۳-۱-۲. نقد و بررسی

۱- این‌که رسم الخط قرآنی توقیفی است نیاز به دلیل دارد و هیچ دلیل قطعی در قرآن و سنّت پیامبر(ص) بر این امر وجود ندارد. آیات (الحجر، ۹) و (فصلت، ۴۱و۴۲) نیز بر عدم تحریف قرآن دلالت دارند نه بر رسم‌الخط قرآن کریم.

۲- روایاتی را که از پیامبر(ص) نقل کرده‌اند دارای معایب ذیل هستند:

ـ با امّی بودن پیامبر(ص) ناسازگار است.

ـ «اگر بر فرض، جریان مذکور درست باشد مربوط به رسم الخط قرآن نیست» (حجّتی، ۵).

ـ معاویه و پدرش ابو سفیان در فتح مکّه اظهار اسلام کردند، او علاوه بر این‌که از «طلقاء» به‌شمار می‌رفت در زمرۀ «مؤلّفة قلوبهم» قرار داشت که در برابر اظهار اسلام، مزد و بهاء دریافت می‌کردند.

ـ برخی از اساتید و بزرگان حدیث اهل سنّت (همچون اسحاق بن راهویه؛ استاد بخاری) گفته‌اند که هیچ چیزی در فضائل معاویه، صحیح نیست (ابوریه، ۱۲۸).

ـ برخی نیز همچون ابوریه گفته‌اند که «معاویه حتی یک کلمه از قرآن را ننگاشت» (همانجا، ۱۳۰)، تا چه رسد به اینکه آیه‌ای را نوشته باشد و یا بالاتر از آن از کتّاب وحی به شمار آید.

۳- روایات زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد که کتّاب وحی در نگارش برخی از کلمات قرآن با هم اختلاف داشتند. زیرا عثمان به آن‌ها گفته بود که هرگاه با زید بن ثابت

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

درمورد قرآن دچار اختلاف شدید، آن را به زبان قریش بنویسید زیرا قرآن با زبان آنها نازل شده است (طبری، ۲۴/۱).

۴- در نقد نظرات آقای کردی نیز می‌توان گفت که هر سه دلیل او اشتباه است زیرا الف: این یک ادّعای صِرف است و ایشان باید بگوید صحابه براساس کدام حکمت و فلسفه یک نوع نگارش خاصّی را در قرآن وارد کرده‌اند ابن خطیب در این زمینه می‌گوید: وا مصیبتا! آیا قرآن نیز همانند لگاریتم، طلسم، رمل، اسطرلاب، نجوم و علومی از این قبیل است که تصور می‌کنند نفاست آنها در اسراری است که در آنها نهفته و جز با کوشش و تلاش بسیار و پس از گذشت زمانی دراز، نتوان بدان دست یافت؟ (معرفت، ۱۳۱). ب: اتفاقاً مکاتبه صحابه با امیران و... سرزمین‌های دیگر این امر را به اثبات می‌رساند که آن‌ها از آئین نگارشی مرسوم در آن زمان در نگارش قرآن استفاده می‌کرده‌اند و حتّی برخی از افراد همچون دکتر پاکتچی و غانم قدوری حمد از سنگ‌نبشته‌های موجود در آن زمان به این نتیجه رسیده‌اند که نگارش خاص کلمات قرآنی در آن زمان مرسوم بوده و حتی اسنادی موجود است که دلالت می‌کند برخی از کلمات همسان به دو شیوه نوشته می‌شوند. ج: این ادّعای آقای کردی نیز اشتباه است زیرا صحابه آیین نگارش را می‌دانستند اما براساس همان آیین نگارشی که وجود داشته است.

٤-٣-٢. نظریهٔ إعجاز رسم الخط قرآن کریم

در بین افرادی که معتقد به توقیفی بودن رسم‌الخط قرآن کریم هستند افرادی وجود دارند که معتقد به معجزه بودن رسم‌المصحف هستند. نظریهٔ «إعجاز الخطی قرآن» مسئلهٔ بسیار تازه‌ای است که هیچ‌یک از علما متقدم به آن تصریح نکرده‌اند. شاید قدیمی‌ترین متنی که به این موضوع اشاره داشته است؛ نقل صاحب نثر المرجان از صاحب الخزانه است که او این جمله را به کسایی نسبت داده است: «فی خط المصحف عجائب و غرائب تحیّرت فیها عقول العقلاء و عجزت عنها آراء الرجال البلغاء و کما أن لفظ القرآن معجز فکذلک

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

رسمه خارج عن طوق البشر» (ارکاتی، ۱۲/۱) و شاید شروع کنندهٔ این امر ابن البنا مراکشی باشد که در کتاب خود، به نام «عنوان الدلیل فی مرسوم التنزیل» ظواهر رسم را بر مبنای اختلاف معانی کلمات، مطابق سیاق عبارت و با روش صوفیانه و باطنی‌گرایانه تفسیر کرده است و هرگز به لغت و طبیعت نگارش عربی، نپرداخته است. این روش ابو العباس، در کسانی که پس از وی به بررسی ظواهر رسم پرداختند، تا زمان حاضر تأثیر داشته است (مراکشی، ۳۲؛ قدوری حمد، ۱۱).

امّا اغلب دانشمندان اوّلین کسی را که این موضوع را مطرح کرد عبدالعزیز دبّاغ می‌دانند و به جوابی که به شاگردش احمد بن مبارک سجلماسی در مورد رسم‌المصحف داد استناد می‌کنند. او گفت: «صحابه و دیگران به اندازه یک جو در رسم‌المصحف دخالت نداشته‌اند و آن، صرفاً توقیفی و تعیین شده از جانب پیامبر(ص) است. پیامبر(ص) فرموده به این شکل تدوین شود، جایی با الف زاید و جایی بدون الف، آن را بنویسند زیرا این‌ها اسراری است که عقل ها بدان راه نمی‌برد و سرّی از اسرار خداست که خاص کتاب عزیز اوست، نه دیگر کتاب‌های آسمانی همان‌گونه که نظم قرآن معجزه است، رسم‌الخط آن نیز معجزه می‌باشد عقل‌ها چگونه به سرّ آوردن الف در «مائه» و حذف آن از «فئه» و اضافه کردن «یا» به «باید» و «بایکم» و نوشتن آن‌ها به صورت «باییدِ» و «باییکم» پی می‌برد؟ و یا چگونه می‌توان فهمید که چرا در کلمه «سعوا» در سوره حج با الف نوشته می شود، ولی همین کلمه در سوره سبا بدون الف «سعو» نوشته می‌شود؟ باز چرا کلمه «عتوا» در هرجا که باشد با اضافه الف و تنها در سوره فرقان، بدون الف و به صورت «عتو» نوشته می شود؟ و از همین قبیل است سر زیادت الف در «آمنوا» و حذف آن از «باؤ» و «جاؤ» و «تبوؤ» و «فاؤ» در سوره بقره تمام این‌ها، اسرار الهی و اغراض حکمت‌آمیز پیامبر(ص) است که بر مردم پوشیده می‌باشد، زیرا این‌ها اسرار باطنی است که جز از طریق موهبت الهی، قابل درک نیست و مانند الفاظ و حروف مقطعه‌ای است که در اوایل سُوَر است و دارای اسراری بزرگ و معانی بسیاری است که بیش‌تر مردم بدان اسرار پی‌نمی برند و چیزی از معانی الهی که

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

بدان‌ها اشاره شده، درک نمی‌کنند و رسم‌الخطی که در قرآن به‌کار رفته از همین قبیل است» (سجلماسی، ۸۷-۸۸).

٤-۳-۲-۱. موافقان إعجاز الخطی قرآن

بعد از دبّاغ است که می‌بینیم بحث «إعجاز الخطی قرآن» یا همان «إعجاز رسم الخط قرآن» یا «معجزه بودن رسم‌المصحف» در بین آثار دانشمندان اهل سنّت بسیار به چشم می‌خورد تا این‌که برخی از آن‌ها در عناوین کتاب‌هایشان از کلمهٔ «إعجاز» استفاده کرده‌اند. به‌عنوان نمونه «رسم القرآن المعجز بخصائصه و ظواهره و اسراره اثر عاطف امین قاسم ملیجی»، «الاعجاز القرآنی فی رسم العثمانی اثر عبدالمنعم کامل شعیر»، «رسم القرآن معجز کلفظه و لا یمکن تغییره اثر محمدسامر»، «اعجاز رسم القرآن و اعجاز التلاوة اثر محمد شملول». برخی دیگر نیز هرچند که از کلمهٔ «اعجاز» در آثارشان استفاده نکردند امّا عنوان و محتوای کتاب‌هایشان دلالت بر همین موضوع دارد. به‌عنوان نمونه «ارشاد الحیران الی معرفة ما یجب اتباعه فی رسم القرآن اثر محمد بن علی بن خلف حسینی مشهور به حدّاد (۱۳۵۷ق)»، «إیقاظ الاعلام لوجوب اتباع رسم‌المصحف الامام عثمان بن عفان أثر محمد حبیب الله بن عبدالله شنقیطی (۱۳۶۲ق)»، «سمیر الطالبین فی رسم و ضبط الکاتب المبین اثر علی بن محمد ضبّاع(۱۳۸۰ق)»، «خصوصیات رسم العثمانی للمصحف الشریف اثر عبدالعظیم المطعنی (۱۴۲۹ق)» و «الجلال و الجمال فی رسم الکلمة فی القرآن اثر سامح القلینی».

به‌عنوان نمونه؛ محمد شملول می‌نویسد: «کلمة القرآنیه معجزة فی کتابتها و معجزة فی ترتیلها و معجزة فی بیانها» (شملول، ۸) و شنقیطی نیز همین مفهوم را با الفاظ دیگری می‌رساند: «خط القرآن العظیم معجز لسائر الانس و الجن کنظم لفظه» (شنقیطی، ۳۶).

این موضوع تا جایی پیش رفت که برخی از شعرا درمورد آن اشعاری سرودند. به‌عنوان نمونه، محمد العاقب الجکنی (۱۳۱۲ق) در منظومه‌اش «کشف العمی فی رسم‌المصحف» ئر صفحهٔ ۴ می‌نویسد:

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

رسم القرآنِ سنّةٌ متبعـــة　　كما نَحَا اهلُ المَناحِي الاربعة
لأنّهُ إمّا بِأمرِ المصطفـــــى　　أو بِإجتماعِ الرّاشدينَ الخلفـا
و كُلُّ من بدّلَ منه حرفـــاً　　باءَ بِنارٍ أو عَليهـــا أشفـــى
و الخطُّ فيه معجزٌ لِلنّـــاس　　و حائدٌ عَن مُقتَضى القيـــاس
لا تهتدى لسِرّه الفُحُـــول　　و لا تَحومُ حولَه العقـــول
قد خَصَّه اللهُ بتلكَ المنزلـــه　　دونَ جميعِ الكُتُبِ المُنَزَّلـــه
لِيَظهَرَ الإعجازُ فى المرسومِ　　منه كمـــا فى لفظِهِ المنظومِ

٤-٣-٢-٢. دلائل موافقان این دیدگاه

اعتقاد به معجزه بودن رسم‌الخط قرآن کریم قرآن منوط به اعتقاد به توقیفی بودن رسم‌المصحف است. به عبارت دیگر، توقیفی بودن رسم‌المصحف شرط لازم و نه کافی برای إعجاز الخطی قرآن است. یعنی اگر بپذیریم که رسم‌المصحف وجهی از وجوه إعجاز قرآن است، لزوماً توقیفی و وحی بودن آن را نیز پذیرفته‌ایم. ولی اگر بگوییم رسم قرآنی توقیفی و وحی است لازم نیست که حتماً معجزه باشد زیرا هر آن‌چه که وحی باشد لزوماً معجزه نیست.

ادلّه توقیفی بودن رسم‌المصحف را بیان نمودیم ولی همهٔ آن‌ها نمی‌توانند دلایل معجزه بودن آن نیز باشند. در ذیل دلایلی را که صاحبان این دیدگاه بیان نموده‌اند را ذکر می‌کنیم.

۱- بسیاری از این افراد، به قول دبّاغ به شاگردش احمد بن مبارک سجلماسی استناد می‌کنند.

۲- برخی دیگر نیز معتقدند که ظواهر رسم عثمانی با قواعد رسم اصطلاحی مخالفت دارد، زیرا کاتبان مأمور بودند این‌چنین بنویسند (ابراهیم صالح، ۸۵).

۳- برخی دیگر، به این استناد کرده‌اند که رسم الخط قرآن کریم با بقیّه نوشته‌های عصر نزول قرآن، همچون نامه‌های پیامبر(ص) به سایر ملوک و همچنین اسماء سُوَر متفاوت است (شملول، ۵۳-۵۲).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

٤-۳-۲-۳. نقد و بررسی

۱- کسانی‌که این دیدگاه را دارند پیش از آن باید به توقیفی بودن رسم‌المصحف معتقد باشند و لذا تمام دلایل معتقدان به اجتهادی بودن رسم‌المصحف و همچنین دلایلی که برای ردّ توقیفی بودن قرآن ارائه شد در ردّ این نظریه نیز وارد است.

۲- کسانی‌که به «إعجاز الخطی قرآن» معتقد هستند، پیش از آن می‌بایست به «معجزه» نیز معتقد باشند. معجزه عبارت است از: «امر خارق‌عادتی که همراه با تحدّی و سالم از معارضه باشد» (تفتازانی، ۱۱/۵). امّا هیچ نصّی از قرآن و هیچ روایتی از معصومان(ع) و هیچ تصریحی از دانشمندان متقدّم و متأخّر، بر خارق‌العاده بودن این نوع از نگارش قرآن وجود ندارد. از طرفی این نوع رسم‌الخط سالم از معارضه نیست و همچنین خداوند متعال به آن تحدّی ننموده است. قائلان به «معجزه» می‌دانند که در تحدّی می‌بایست حتماً از جانب خداوند متعال بر آن سندی وجود داشته باشد و به همین دلیل است که با وجود الهی بودن تورات و انجیل، هیچ یک از ویژگی‌های آن کتاب‌های آسمانی را معجزه نمی‌دانند.

۲- با مطالعهٔ کتاب‌های عهدین، اشعار عرب جاهلیت، آیات قرآن و کتاب‌های قرون اوّلیهٔ دانشمندان اسلام، به این نتیجه می‌رسیم که کلمه‌های «معجزه و إعجاز» در اواخر قرن سوّم و ابتدای قرن چهارم جعل شده و سپس در کتاب‌های مختلف راه پیدا کرده‌اند. لذا قبل از قرن چهارم این کلمات اصلاً وجود نداشته‌اند و اوّلین کسانی‌که آن‌ها را وضع نموده‌اند، متکلّمان بودند. این مسأله باعث شد که روز به روز این اصطلاح‌ها استعمال بیشتری داشته باشند و باعث متروک شدن استعمال کلماتی همچون «آیه، بیّنه، برهان، دلائل و...» شوند. در سال‌های اخیر نیز مسألهٔ «إعجاز الخطی قرآن کریم» مطرح شده است که همین محدّث بودن اصطلاح‌های «معجزه و إعجاز» دلیلی بر بدون پشتوانه قرآنی و روایی بودن آن‌هاست. هرچند که این نظریهٔ «إعجاز الخطی قرآن کریم» از نظر قدمت بسیار نوظهور می‌باشد و همین، دلیلی بر بطلان آن می‌باشد.

۳- مطلب دیگری که در نقد این گروه از افراد می‌توان ارائه داد این است که مثلاً آقای

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

محمد شملول که از معتقدین اعجاز رسم‌الخط قرآن کریم است کتاب «اعجاز رسم القرآن و اعجاز التلاوته» را در تبیین وجوه این اختلافات نگارشی نوشته است. خود او از کسانی است که می‌گویند این نوعِ خاصِ نگارش کلمات قرآن معجزه است و معتقدند که این تفاوت در نگارش حکمت‌هایی دارد که جز خداوند متعال کسی از آن مطّلع نیست و عقل‌ها از درک آن عاجز هستند اما با این حال کتاب مذکور را نوشته است و توجیهات گوناگونی که برخی از آن‌ها معقول و برخی دیگر مزحک هستند در توجیه این اختلافات بیان داشته است.

۵- نتایج مقاله

سیر تکامل خط‌نویسی در طول تاریخ روند رو به پیشرفتی داشته است. در عصر نزول قرآن، خط‌نویسی در اوج تعالی خود قرار نداشته است و لذا کاتبان وحی می‌بایست بر اساس قواعد خط‌نویسی در آن زمان به نگارش قرآن پرداخته باشند و غیر از این نیز گزارش نشده است درنتیجه رسم‌الخط قرآن کریم با رسم‌الخط تمامی مکاتبات دیگر یکی بوده است. با مرور زمان خط‌نویسی پیشرفت کرده و آیین کتابت عربی تغییر نموده است. امّا هیچ‌کس به خود اجازه نداد که نوع نگارش قرآن را تغییر دهد و به همین دلیل، امروزه شاهد تفاوت‌هایی در رسم‌المصحف با رسم‌الإملاء هستیم. این تفاوت‌ها دو قسمت هستند اوّل تفاوت نگارش کلمات قرآنی با کلمات عربی و دوّم کلمات همسانی که در قرآن به دو شکل متفاوت نگارش شده‌اند. با بررسی‌هایی که صورت گرفت، آرای دانشمندان در این خصوص را می‌توان در ۲ دسته تقسیم‌بندی نمود «توقیفی یا اجتهادی بودن رسم‌المصحف» ترکیب با «اعتقاد به تغییر یا عدم تغییر رسم‌المصحف»:

۱- برخی معتقدند رسم‌الخط قرآن کریم اجتهادی است. مستشرقان و برخی از مسلمانان در این دسته قرار می‌گیرند. آرای مستشرقان که به علّت‌های گوناگون ازجمله منابع محدود مطالعاتی، پیش‌فرض‌های غیرعلمی و متعصبانه و... از این تفاوت‌ها، مضطرب بودن متن قرآن را نتیجه گرفته‌اند و آرای مسلمانانی که معتقد به تغییر رسم‌الخط قرآن کریم

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

براساس رسم‌الإملای عربی هستند باطل است زیرا تغییر رسم الخط قرآن کریم براساس آئین نگارش هر زمانی کاری بسیار خطرناک است. اما آرای مسلمانانی که علی رغم اعتقاد به اجتهادی بودن رسم‌الخط قرآن کریم معتقدند نباید این رسم الخط مخصوص را تغییر داد، متقن بوده و آرای آن‌ها صحیح به‌نظر می‌رسد.

۲- برخی دیگر نیز معتقدند این نوع رسم‌الخط قرآن کریم توقیفی بوده و صحابه با نظارت پیامبر(ص) اقدام به نگارش قرآن کرده‌اند. در بین این گروه هیچ کس اعتقاد به تغییر رسم‌الخط قرآن کریم ندارد اما در بین آن‌ها افرادی وجود دارند که پا را از این فراتر نهاده و معتقدند این نوع رسم‌الخط قرآن کریم معجزه محسوب می‌شود و عقل ها از درک ویژگی‌های آن عاجز هستند. آرای هر دو دستهٔ این گروه به علّت فقدان دلایل معتبر و متقن باطل بوده و ضعف استدلال‌های آن‌ها روشن گردید.

۳ـ وظیفهٔ مسلمانان است که از اعمال سلیقه اجتناب کنند و به بهانهٔ آسان کردن تعلیم آن و تسهیل آموزش قرآن در فکر کنار گزاردن رسم الخطّ قدیمی نباشند و از هر نوع تغییری اعم از کاستن یا افزودن سخت بپرهیزند، زیرا اگر فکر تغییر رسم الخطّ قرآن در مغزها به‌وجود آید بیم آن می‌رود که با مرور زمان در هر عصر و زمانی عدّه‌ای بنا به سلیقهٔ خود و براساس رسم‌الخط جدید و نوظهور به تغییر رسم الخطّ قرآن بپردازند و به خیال خود با کم کردن حروف زائد و رعایت رسم الخطّ جدید و برابر نمودن مقروء با مکتوب رسم الخط جدیدی ابداع کنند اما (یعنی سعی کنند آن‌چه خوانده شود بنویسند) دیری نمی‌پاید که دیگر کسی قرآن را نمی‌شناسد و قرآن هر کشوری از کشور دیگر مجزّا می‌شود. حتّی اگر همهٔ دانشمندان اسلام در عصر حاضر معتقد به تغییر رسم‌الخط قرآن شوند بازهم کار اشتباهی است و آیندگان ما را از اعمال این تغییرات به‌شدّت نکوهش می‌کنند.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

کتابشناسی

۱. القرآن الکریم.

۲. ابراهیم عوض صالح، عبدالکریم، المتحف فی رسم المصحف، طنطا، دارالصحابه للتراث، مکتبة الدراسة القرآنیه، ۱۴۲۷ق.

۳. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون، ترجمهٔ محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم، ۱۳۷۵ش.

۴. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، تحف العقول، محقّق علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوّم، ۱۴۰۴ق.

۵. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس‌اللغة، تحقیق عبدالسلام هارون، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.

۶. ابن قتیبه دینوری، تأویل مشکل القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اوّل، ۱۴۲۳ق.

۷. ابوریه، محمود، اضواء علی السنة المحمدیه، قم، موسسه انصاریان للطباعه و النشر، ۱۴۲۰ق.

۸. ابیاری، ابراهیم، تاریخ القرآن، بیروت، دارالکتاب اللبنانی، ۱۹۸۲م.

۹. ارکاتی، محمد غوث بن ناصر الدین النائطی، نثر الرمرجان فی رسم نظم المرجان، حیدرآباد، مطبعه عثمان یونس، ۱۳۳۹ق.

۱۰. آذرنوش، آذرتاش، «همزه و دشواری نوشتن آن»، مقالات و بررسی‌ها، شماره ۱۷و۱۸، ۱۳۵۳ش.

۱۱. باقلانی، ابوبکر محمد بن طیب، الإنتصار للقرآن، بیروت، دارالفتح، ۱۴۲۲ق.

۱۲. همو، إعجاز القرآن، تحقیق سیداحمد صقر، مصر، دارالمعارف، ۱۹۹۷م.

۱۳. بریکان، ابراهیم محمد، المدخل لدراسة العقیدة الاسلامیه علی مذهب اهل السنّة و الجماعه، دار السنّة للنشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.

۱۴. بلاشر، رژی، در آستانه قرآن، ترجمهٔ محمود رامیار، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ش.

۱۵. پاکتچی، احمد، تأمّلاتی در مباحث فرهنگ اسلامی، تحقیق مرتضی سلمان‌نژاد، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۴ش.

۱۶. تفتازانی، سعد الدین، شرح المقاصد، تحقیق عبدالرحمن عمیره، قم، نشر شریف الرضی، چاپ اوّل، ۱۴۰۹ق.

۱۷. تفکری، حسن، پژوهشی در رسم‌المصحف و شیوه‌های علامت‌گذاری در قرآن، تهران، پیام عدالت، چاپ اوّل، ۱۳۸۵ش.

۱۸. جفری، آرتور، واژگان دخیل در قرآن، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۲ش.

۱۹. حجّتی، سیّدمحمدباقر، «رسم‌الخط مصحف عثمانی: اسرار، حکمت و مزایای آن: دشواری قرائت مصحف و راه حل آن»، مجله پژوهش دینی، شماره۴، بهار (۱۳۸۲ش)

۲۰. حداد، محمد بن علی الحسینی، ارشاد الحیران الی معرفة ما یجب اتباعه فی رسم القرآن، تحقیق جمال الدین محمد شرف، دارالصحابه بطنطا.

۲۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، قم، مؤسّسه آل البیت، چاپ اوّل، ۱۴۰۹ق.

۲۲. خمینی، روح‌اله، تحریرالوسیله، تهران، مؤسّسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۹۲ش.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

۲۳. خمینی، مصطفی، تفسیر القرآن العظیم، تهران، مؤسّسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، چاپ اوّل، (۱۴۱۸ق).
۲۴. خویی، سیدابوالقاسم، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، به ترجمه هاشم هریسی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۲ش.
۲۵. همو، البیان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسهٔ إحیاء آثار الامام الخوئی، بی‌تا.
۲۶. دانی، ابوعمرو، المقنع فی معرفهٔ مرسوم مصاحف اهل الامصار، تحقیق محمد احمد دهمان، دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
۲۷. رافعی، مصطفی صادق، اعجاز القرآن و البلاغهٔ النّبویّه، الطبعهٔالاولی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق.
۲۸. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۶۹ش.
۲۹. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، تحقیق محمدعلی قطب و یوسف محمد، المکتبة العصریه، ۱۴۲۲ق.
۳۰. زرکشی، بدرالدین محمد، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالغضل ابراهیم، دارالمعرفه، ۱۳۹۱ق.
۳۱. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالنشر الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۳۲. سامر النص، محمد، رسم القرآن معجز کلفظه و لا یمکن تغییره، دارالتوفیق، ۲۰۰۷م.
۳۳. سجلماسی، اجمد بن مبارک، الابریز من کلام سیدی عبدالعزیز الدَّباغ، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۳۲ق.
۳۴. سزگین، فؤاد، تاریخ نگارش‌های عرب، ترجمهٔ نشر فهرستگان، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰ش.
۳۵. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی‌بکر ، سیوطی الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۱ق.
۳۶. همو، ترجمهٔ الاتقان فی علوم القرآن، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۰ش.
۳۷. شلبی، رؤوف، جواهر العرفان فی الدّعوة و علوم القرآن، عالم الفکر، ۱۴۰۹۲ق.
۳۸. شملول، محمد، اعجاز رسم القرآن و اعجاز التلاوته، قاهره، دارالسلام، الطبعةالاولی، ۱۴۲۷ق.
۳۹. شنقیطی، محمد، ایقاظ الاعلام لوجوب اتباع رسم‌المصحف الإمام، سوریه، مکتبة المعرفه، ۱۳۹۲ق.
۴۰. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، منیة المرید فی آداب المفید و المستفید، به کوشش سیداحمد حسینی، قم، مجمع الذخائر الاسلامیه، ۱۴۰۲ق.
۴۱. صالح، صبحی، مباحث فی علوم القرآن، قم، منشورات الرضی، ۱۳۴۸ق.
۴۲. همو، مباحث فی علوم القرآن، قم، الشریف الرضی، ۱۳۷۲ش.
۴۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، معانی الاخبار، محقّق علی‌اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ اوّل، ۱۴۰۳ق.
۴۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۴۵. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۵ق.
۴۶. عاقب محمد، بن سیدی عبدالله بن مایابی الیوسفی الجکنی، کشف العمی و الرَّین عن ناظِری مصحف ذی النّورین، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]

۴۷. عباده، عبدالفتاح، انتشار الخط العربی فی العالم الشرقی و العالم الغربی، قاهره، مکتبه الکلیات الازهریه، بی‌تا.
۴۸. عبدالحلیم. م. س، ترجمهٔ علی اکبر خان محمدی، «اصول رسم الخط عثمانی قرآن کریم»، وقف میراث جاویدان، شماره۲۲، ۱۳۷۷ش.
۴۹. عبود الجبوری، ترکی عطیه، الخط العربی الاسلامی، بغداد، دارالبیان، ۱۹۷۵م.
۵۰. فرّاء، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، تحقیق احمد یوسف نجاتی و محمد علی نجار، قاهره، الهیئة المصریه، العامة للکتاب، ۱۹۸۰م.
۵۱. فک، یوهان، العربیه (دراسات فی اللغه و اللهجات و الاسالیب)، تعریب، عبدالحلیم نجار، قاهره، مکتبه الخانجی، ۱۹۵۱م.
۵۲. قدوری حمد، غانم، «مقایسه‌ای بین رسم‌الخط مصحف و نقوش قدیم عربی»، ترجمه حسین علی نقیان، مجله رشد، آموزش قرآن، دوره پنجم، شماره اوّل، (۱۳۸۶ش).
۵۳. همو، ترجمه رسم الخط مصحف، قم، اسوه، ۱۳۷۶ش.
۵۴. کامل شعیر، عبدالمنعم، اعجاز القرآنی فی رسم العثمانی، رقم طباعهٔ و دار، بی‌تا.
۵۵. کردی، محمدطاهر، تاریخ الخط العربی و آدابه، قاهره، مکتبه الهلال، ۱۹۳۹م.
۵۶. همو، تاریخ القرآن و غرائب رسمه و احکامه، مصر، شرکة و مطبعة المصطفی البابی الحلبی و اولاده، ۱۹۵۳م.
۵۷. گلدزیهر، ایگناتس، مذاهب التفسیر الاسلامی، ترجمه عبدالحلیم النجار، بیروت، دارالاقراء، ۱۳۷۴ق.
۵۸. مارغنی، ابراهیم بم احمد، دلیل الحیران علی مورد الظمآن فی فنی الرسم و الضّبط ویلیه (تنبیه الخلان علی الاعلان)، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۴م.
۵۹. متّقی هندی، علی بن حسام، کنزل العمال فی سنن الاقوال و الافعال، به کوشش صفوة السقا و بکر حیّانی، بیروت، مؤسّسه الرساله، ۱۳۹۹ق.
۶۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۶۱. مراکشی، ابو عباس، عنوان الدلیل من مرسوم خط التنزیل، تحقیق هند شلبی، دارالمغرب الاسلامی، ۱۹۹۰م.
۶۲. مشکور، محمد جواد، فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی، تهران، بنیاد فرهنگ، ۱۳۷۵ش.
۶۳. معرفت، محمدهادی، تاریخ قرآن، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۲ش.
۶۴. همو، التمهید، قم، مؤسّسه النّشر الاسلامی، جامعه مدرّسین حوزهٔ علیمه، بی‌تا.
۶۵. همو، علوم قرآنی، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۸۱ش.
۶۶. مکارم شیرازی، ناصر، اشتباهات در رسم‌الخط عثمان‌طه، قم، امام علی بن ابی طالب، ۱۳۸۷ش.
۶۷. نولدکه، تئودور، تاریخ قرآن، ترجمه: جرج تامر و دیگران، بیروت، النشر مؤسسه کونراد آدنائر، ۲۰۰۴م.
68. Luxenberg, Christoph, "Die Syro – aramische Lesart des Koran", Ein Beitrag zur Entschlesselung der Koransprache, Berlin: Das Arabische Buch, (2000).
69. htttps://www.porseman.com
70. http://portal.esra.ir
71. http://www.teh-aliebneabitaleb.ir

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-30]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.20.42.2.9]